



«رسول بخشی دستجردی» عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با چارسوق مطرح کرد:

## حامیان شوک درمانی تیم اقتصادی دولت را اداره می‌کنند



هزینه خصوصی سازی ایران خودرو از جیب مردم پرداخت شد

# افزایش ۱۷۰ درصدی قیمت محصولات ایران خودرو با مدیریت کروز

کرد که هدفش ارائه خدمات بهتر و جلب رضایت مردم است اما در عمل، فقط گرانی را نصیب مردم کرده است. تا قبل از واگذاری ایران خودرو به کروز قیمت مصوب تمامی محصولات این شرکت به جز خودروهای شاسی بلند هایما و ریرا، زیر یک میلیارد تومان بود اما اکنون ارزان‌ترین محصول ایران خودرو که وانت آریسان است هم به بالای ۱٫۵ میلیارد تومان رسیده است. در واقع خصوصی سازی جنجالی ایران خودرو و واگذاری آن به شرکت کروز، فقط سبب تحمیل شدیدترین گرانی به مردم شده و آن همه شعارهای فریبنده درباره افزایش کارایی، کاهش هزینه‌ها و بهبود کیفیت با مدیریت خصوصی به باد فراموشی سپرده شده است.

از بهمن ۱۴۰۳ که دولت چهاردهم مدیریت شرکت ایران خودرو را به شرکت کروز واگذار کرده، محصولات این شرکت به طور متوسط ۱۷۰ درصد معادل ۱٫۲ میلیارد تومان گران شده است. توجیه دولت چهاردهم برای واگذاری شرکت ایران خودرو به یک شرکت قطعه‌ساز خصوصی آن هم با حواشی فراوان، افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها، ارتقای کیفیت خودروها و نهایتاً جلوگیری از گرانی بی‌رویه خودرو بود. اما در مدتی که کروز مدیریت ایران خودرو را به عهده گرفته، شدیدتر از دوران دولتی بودن قیمت محصولات این شرکت را افزایش داده است. جالب آنکه شرکت کروز در سال ۱۴۰۳ پس از تصاحب ایران خودرو در بیانیه‌ای ادعا

قیمت محصولات ایران خودرو، قبل و بعد از مدیریت کروز (قیمت‌ها به میلیون تومان)

| شرح خودرو  | قیمت مصرف‌کننده در دی ۱۴۰۳ | قیمت مصرف‌کننده در خرداد ۱۴۰۵ | درصد گرانی | مقدار گرانی  |
|--|----------------------------|-------------------------------|------------|--------------|
| سورن با موتور XUVP                                       | ۶۱۶                        | ۱۵۳۰                          | ۱۴۹        | ۹۱۴          |
| سورن دوگانه‌سوز مخزن ۱۰۰ لیتری                           | ۶۵۴                        | ۱۸۱۶                          | ۱۷۸        | ۱٫۱۶۲        |
| سورن دوگانه‌سوز مخزن ۷۵ لیتری                            | ۶۵۳                        | ۱۸۰۰                          | ۱۷۵        | ۱٫۱۴۷        |
| سورن (با مالتی مدیا - رینگ فولادی)                       | ۶۳۲                        | ۱۵۳۰                          | ۱۴۲        | ۸۹۸          |
| سورن (با مالتی مدیا - رینگ آلومینیومی)                   | ۶۳۶                        | ۱۵۸۰                          | ۱۴۸        | ۹۴۴          |
| پژو ۲۰۷ دستی با موتور تی.یو.۳                            | ۵۹۱                        | ۱۵۰۲                          | ۱۵۴        | ۹۱۱          |
| پژو ۲۰۷ دستی (رینگ فولادی - هیدرولیک - ترمز عقب کاسه‌ای) | ۶۱۶                        | ۱۷۵۰                          | ۱۸۴        | ۱٫۱۳۴        |
| پژو ۲۰۷ اتوماتیک سقف فلزی                                | ۷۷۰                        | ۲۱۳۴                          | ۱۷۷        | ۱٫۳۶۵        |
| پژو ۲۰۷ اتوماتیک سقف شیشه‌ای ارتقاء یافته                | ۷۹۶                        | ۲۱۸۴                          | ۱۷۴        | ۱٫۳۸۸        |
| رانا ارتقاء یافته  | ۶۰۸                        | ۱۵۳۶                          | ۱۵۳        | ۹۲۸          |
| دنا پلاس دستی EFYP با گیربکس ۶MT                         | ۷۵۰                        | ۲۰۴۰                          | ۱۷۲        | ۱٫۲۹۰        |
| دنا پلاس دستی EFYP با گیربکس ۶MT با رینگ فولادی          | ۷۱۸                        | ۱۹۹۰                          | ۱۷۷        | ۱٫۲۷۲        |
| دنا توربوشارژ اتوماتیک آپشنال                            | ۹۴۳                        | ۲۵۳۰                          | ۱۶۸        | ۱٫۵۸۷        |
| تارا دستی V۱۶ با گیربکس ۶MT                              | ۷۷۶                        | ۱۸۸۸                          | ۱۴۳        | ۱٫۱۱۲        |
| تارا اتوماتیک LX ۷۴                                      | ۹۰۲                        | ۲۴۷۰                          | ۱۷۴        | ۱٫۵۶۸        |
| ریرا   | ۱٫۱۳۰                      | ۳۱۹۸                          | ۱۸۳        | ۲٫۰۶۸        |
| وانت آریسان ۲ دوگانه‌سوز                                 | ۴۵۹                        | ۱۵۷۲                          | ۲۴۲        | ۱٫۱۱۳        |
| <b>میانگین قیمت</b>                                      | <b>۷۲۰</b>                 | <b>۱۹۴۴</b>                   | <b>۱۷۰</b> | <b>۱٫۲۲۴</b> |



## راز تحقق ۱۱۶ درصدی منابع بودجه ۱۴۰۴؛ کسری نفت چطور جبران شد؟

طبق قانون بودجه ۱۴۰۴ در بخش درآمدها، رقم مصوب معادل ۲ هزار و ۴۴۶ هزار میلیارد تومان بود که در پایان سال، حدود ۲ هزار و ۴۹۵ هزار میلیارد تومان وصول شده است. این موضوع به معنای تحقق ۱۰۲ درصدی درآمدهای پیش بینی شده است، تحقق فراتر از انتظار درآمدهای عمومی، به ویژه در بخش هایی مانند مالیات، از منظر مدیریت مالی دولت یک نقطه قوت محسوب می شود.

بررسی عملکرد منابع بودجه سال ۱۴۰۴ نشان می دهد اگرچه در مجموع ۱۱۶ درصد منابع عمومی دولت محقق شده اما این عملکرد مثبت بیش از آنکه ناشی از تحقق درآمدهای نفتی باشد، نتیجه افزایش قابل توجه استفاده از واگذاری دارایی های مالی از جمله استقراض از صندوق توسعه ملی و فروش اوراق مالی بوده؛ موضوعی که نشان می دهد کسری نزدیک به ۳۰۰ همتی درآمدهای نفتی با اتکای بیشتر به منابع مالی جبران شده است.

### درآمدهای پایدار فراتر از انتظار

عملکرد بودجه سال ۱۴۰۴ نشان می دهد دولت در بخش درآمدها، عملکردی فراتر از ارقام پیش بینی شده داشته است. بر اساس قانون بودجه، رقم مصوب درآمدها معادل ۲ هزار و ۴۴۶ هزار میلیارد تومان (همت) بوده که در پایان سال، حدود ۲ هزار و ۴۹۵ همت وصول شده است.

این موضوع به معنای تحقق حدود ۱۰۲ درصدی درآمدهای پیش بینی شده است. تحقق کامل و حتی فراتر از انتظار درآمدهای عمومی، به ویژه در بخش هایی مانند مالیات، از منظر مدیریت مالی دولت یک نقطه قوت محسوب می شود، زیرا درآمدهای پایدار، کم ریسک ترین و مطلوب ترین مسیر برای تأمین هزینه های جاری دولت هستند و کاهش وابستگی بودجه به منابع پایدار را به دنبال دارند.

**کسری نزدیک به ۳۰۰ همتی در واگذاری دارایی های سرمایه ای** با وجود عملکرد مناسب در بخش درآمدها، وضعیت در بخش واگذاری دارایی های سرمایه ای تصویر متفاوتی را نشان می دهد. در قانون بودجه سال ۱۴۰۴، رقم ۹۳۰ همت برای این بخش پیش بینی شده بود اما عملکرد واقعی به ۶۴۱ همت رسید؛ یعنی فقط حدود ۶۹ درصد از منابع مورد انتظار محقق شد. بخش عمده واگذاری دارایی های سرمایه ای به درآمدهای حاصل از صادرات نفت و فرآورده های نفتی وابسته است. از این رو عدم تحقق حدود ۲۹۰ همت از این منابع نشان می دهد که بودجه همچنان در برابر نوسانات بازار نفت، محدودیت های فروش و چالش های مربوط به وصول درآمدهای ارزی آسیب پذیر است. این موضوع اهمیت حرکت به سمت کاهش وابستگی بودجه به نفت و تقویت منابع پایدار مانند درآمدهای مالیاتی را بیش از گذشته آشکار می کند.

### جهش ۱۷۸ درصدی واگذاری دارایی های مالی

مهم ترین اتفاق در عملکرد بودجه ۱۴۰۴ مربوط به بخش واگذاری دارایی های مالی است؛ بخشی که نقش اصلی را در جبران کسری منابع دیگر ایفا کرده است. بر اساس قانون بودجه، دولت مجاز بود یک هزار و ۵۸۰ همت از محل واگذاری دارایی های مالی منابع تأمین کند اما عملکرد نهایی این بخش به ۲ هزار و ۸۱۲ همت رسید. به عبارت دیگر، دولت حدود ۱۷۸ درصد از رقم مصوب این بخش را محقق کرده و بیش از ۱۳۰۰ همت بیشتر از سقف پیش بینی شده از این محل استفاده کرده است.

مهم ترین اجزای این بخش شامل انتشار و فروش اوراق مالی و همچنین استفاده از منابع صندوق توسعه ملی است. اگرچه این روش ها در کوتاه مدت امکان تأمین کسری منابع و جلوگیری از ایجاد اختلال در پرداخت هزینه های دولت را فراهم می کند اما افزایش وابستگی به این ابزارها می تواند پیامدهایی مانند رشد بدهی های دولت و کاهش فضای مالی در سال های آینده را به همراه داشته باشد.

### آیا تحقق ۱۱۶ درصدی منابع به معنای سلامت بودجه است؟

در نگاه نخست، تحقق ۱۱۶ درصدی منابع عمومی بودجه ۱۴۰۴ که از رقم مصوب ۵ هزار و ۷۴۹ همت فراتر رفته، می تواند نشانه ای از عملکرد مطلوب منابع دولت تلقی شود اما بررسی ترکیب این منابع نشان می دهد که این رشد عمدتاً ناشی از افزایش استفاده از واگذاری دارایی های مالی بوده است. به بیان دیگر، آنچه کسری ناشی از عدم تحقق درآمدهای نفتی را پوشش داده، افزایش استقراض و فروش اوراق بوده است. از منظر اقتصاد کلان، پایداری بودجه زمانی محقق می شود که سهم درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای مستمر افزایش یابد و اتکا به منابعی که تعهدات مالی آینده برای دولت ایجاد می کنند کاهش یابد.

بنابراین، مهم ترین درس عملکرد بودجه ۱۴۰۴ این است که صرف تحقق بالای منابع عمومی نمی تواند معیار نهایی موفقیت مالی دولت باشد، بلکه کیفیت و ترکیب منابع تأمین شده اهمیت بیشتری دارد.

بودجه ای که با اتکا به درآمدهای پایدار تراز شود، از آسیب پذیری کمتری برخوردار خواهد بود اما جبران کسری ها از مسیر استقراض و استفاده بیشتر از منابع مالی، هزینه های خود را به سال های آینده منتقل می کند.



## رسول بخشی دستجردی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در گفت وگو با چارسوق مطرح کرد:

# حامیان شوک درمانی تیم اقتصادی دولت را اداره می کنند

## گرانی ها ربطی به جنگ ندارد و دولت عامل گرانی ها است ■ عامل گرانی اخیر خود رو بدهی های کلان ایران خودرو و سایپا است ■ تنگه هرمز می تواند پول ملی ایران را تقویت کند ■ به واسطه تسلط بر تنگه هرمز دیگر هیچ کشوری تحریم ها علیه ایران را اجرا نخواهد کرد

## گفت وگو

بی شک گرانی های هفته های اخیر به شدت مردم عزیز انقلابی که نزدیک به ۱۰۰ شب خیابان ها و میدان مبارزه با دشمن را رها نکرده اند رنجانده است. جهت شناخت بهتر ریشه گرانی های اخیر به گفت وگو با «رسول بخشی دستجردی»، استناد اقتصاد و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نشستیم:

### چه نگاهی بر تیم اقتصادی دولت چهاردم حاکم است؟ ارزیابی شما از عملکرد دولت فعلی چیست؟

در دی ماه ۱۴۰۴ دولت به یک باره و بدون اینکه از پیش با مردم صحبتی کرده باشد قیمت ارز کالاها ی اساسی را ۴ برابر کرد. این اقدام دولت را بسیار بد و نسنجیده می دانم. دلیل اصلی اعتراض بازاربانان و متعاقب آن حوادث ناگوار دی ماه ۱۴۰۴ را نیز همین تصمیم غلط دولت می دانم. واقعاً حیرت آور است که مسئولان دولتی درباره چنین مسئله و تصمیم مهمی از پیش در ذهن جامعه آماده سازی لازم را انجام نداده و با مردم سخن نگفتند؛ یعنی دولت چهارم با عدم آماده سازی مقدمات حذف ارز ترجیحی بستر سوء استفاده دشمن و ایجاد اغتشاش در جامعه را فراهم کرد. بهانه آقایان هم این است که دیگر ارزی برای پرداخت نداشتیم. خوب برادر من چرا با مردم صحبت نکردید. مشکل این است که با سکوتان کشور را به آشوب کشاندید. ظاهراً کسانی دست فرمان اقتصادی دولت را در دست دارند که فکر می کنند هر چه قدر شوک وارده به مردم شدید تر باشد تأثیر گذاری تصمیمات اقتصادی دولت بالاتر است؛ یعنی دلیل سکوت دولت این بود که شدت شوک وارده به مردم از نگاه آقایان اقتصاددان بیشتر شده و تأثیر گذاری تصمیم دولت بالاتر برود. یک چنین نگاهی در بخش اقتصادی دولت چهارم حاکم است؛ یعنی حامیان شوک درمانی مدیریت تیم اقتصادی دولت را در دست دارند.

### آیا مصداق دیگری بر این ادعا که دولت چهارم به دنبال شوک درمانی در اقتصاد ایران است دارید؟

یک تصمیم خطرناک دیگری که اخیراً در میان برخی مسئولان دولتی زمزمه های اجرای آن شنیده می شود طرح یکسان سازی نرخ سود یا بهره است؛ یعنی نرخ رسمی بهره وام های بانکی که ۲۳ درصد است را می خواهند بالا ببرند و به ۵۰ تا ۱۲۳ درصد که نرخ سود بازار آزاد است برسانند. چرا که معتقدند تفاوت نرخ بهره بین شبکه بانکی و بازار آزاد موجب توزیع رانت است؛ یعنی شرایط فعلی باعث ایجاد تقاضای بیشتر جهت اخذ وام های بانکی شده و فشار را بر منابع بانک مرکزی و به تبع آن دولت افزایش می دهد. دقت کنید این استدلال خیلی شبیه استدلالشان در گران سازی نرخ ارز کالاها ی اساسی است. آنجا هم می گفتند تفاوت ۲۸۵۰۰ با ارز بالای ۱۰۰ هزار تومان در بازار آزاد رانت ایجاد کرده و همه به دنبال دریافت ارز دولتی هستند؛ اما نتیجه فاجعه بار حذف ارز ترجیحی کالاها ی اساسی در دی ماه ۱۴۰۴ را دیدیم؛ بنابراین در موضوع یکسان سازی نرخ بهره که با استدلال های مشابه در حال تصمیم گیری در دولت است باید احساس نگرانی کرد. مردم بداندند گرانی های اخیر ربطی به جنگ ندارد و به دلیل تصمیمات غلط این چنینی دولت در اقتصاد کشور است.

### درباره گرانی کالاها ی اساسی سفره مردم چه مقدار برای جنگ نقش قائل هستید؟

دلیل اصلی گرانی کالاها ی اساسی سیاست های غلط اقتصادی دولت است. در نتیجه سیاست های غلط گران سازی که دولت دنبال می کند سفره مردم هر روز در حال کوچک تر شدن است. آمارهای رسمی بیان می کند که طی گرانی های اخیر

### یعنی استدلال دولت درباره پایین بودن نرخ بهره بانکی در شرایط فعلی مورد قبول شما نیست؟ آیا توجه دارید که نرخ بهره با نرخ تورم و همچنین نرخ بهره بازار آزاد فاصله معناداری دارد؟

در رد استدلال دولت همین بس که امروزه هم تولیدکننده، هم توزیع کننده و هم مصرف کننده ما در کشور با کمبود نقدینگی مواجه هستند اما سیستم بانکی در حال خلق روزانه ۲۱ همت نقدینگی است؛ بنابراین یکسان سازی نرخ بهره دردی از این سیستم بانکی کشور و دولت نخواهد کرد. چرا که تسهیلات اصلاً به اشخاصی که باید پرداخت نمی شود که بخواهیم صف دریافت آن ها را افزایش نرخ بهره بانکی کوتاه تر کنیم. از سوی دیگر، باید توجه کنیم که بدترین نوع خلق پول، خلق پول از طریق بهره است. به بیان ساده تر ما دو نوع خلق پول داریم. یکی از طریق پرداخت وام که بانک می تواند با برخی تمهیدات جلوی آن را بگیرد. مثلاً وام گیرنده مجبور باشد وام دریافتی را در مسیر خاصی سرمایه گذاری کند؛ اما درباره خلق پول با بهره شرایط متفاوت است. وقتی شما سپرده ای در

جهت دهی به قیمت ها در بازار ایران است. از سوی دیگر شما می آید انواع و اقسام مجموعه ها و دستورات عمل های قیمت گذاری را ایجاد و صادر می کنید. مثلاً می گویند یک سیخ کوبیده ۱۲۰ گرمی گوسفندی باید به قیمت فلان تومان فروخته شود. تازه این فلان تومان هم ۶ ماه ثابت خواهد ماند و متناسب با افزایش قیمت همه چیز تغییر نمی کند. در نتیجه دو اتفاق خواهد افتاد. اول اینکه یا کوبیده ای که فروشنده به دست من مشتری می دهد دیگر گوشت نیست یا اینکه مغازه و کسب و کار تعطیل و عده ای بیکار می شوند؛ یعنی به مغازه ای که ماهانه ۷ تا ۸ درصد به هزینه هایش اضافه می شود به نام حمایت از مصرف کننده حتی اجازه یک درصد افزایش را هم نمی دهیم.

### سیاست کالابرگ دولت چهارم را چقدر موفق ارزیابی می کنید؟ دولت برای مدیریت موفق اقتصاد در شرایط جنگ باید چه سیاستی اتخاذ کند؟

اگر صریح بخواهم صحبت کنم باید بگویم که کالابرگ مشکلی از مردم حل نکرده و مشکلات ریشه ای تر از این حرف ها است. اگر ما دنبال حفاظت از سفره مردمیم باید با احتکارگران طلا، دلار، زمین و مسکن برخورد کنیم. معنایی ندارد شخصی در ایران ده ها و صدها کیلوگرم طلا احتکار کرده باشد. آن هم طلائی که در ۵۴ سال اخیر قیمت آن ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار برابر شده است. دولت اگر به دنبال موفقیت در مدیریت اقتصاد کشور در شرایط جنگی است باید همین آلآن روی این موضوع متمرکز شود. چرا که مهم ترین موضوع همین است. وگرنه آش همین آش و کاسه همین کاسه خواهد بود.

### تحلیل شما از گرانی اخیر قیمت خودرو چیست؟ آیا وقوع جنگ و هدف قرار گرفتن صنایع فولاد و پتروشیمی کشور از سوی دشمن را عامل آن می دانید؟

ایران خودرو و سایپا بدهی های کلان به خصوص به قطعه سازان دارند. از سوی دیگر سررسید بدهی های این دوشرکت به بانک فرار رسیده و دائماً بر جریمه دیرکرد آن ها افزوده می شود. با این حال، این دوشرکت با فشار به دولت دائماً بانک مرکزی را مجبور می کنند تا به آنها وام بدهد تا در این شرایط بتوانند تداوم حیات بدهند. مثلاً اخیراً ۴۰ همت از بانک مرکزی وام با بهره بالا دریافت کرده اند. خوب وقتی چنین می شود این دوشرکت هیچ گاه قیمت خودروهایشان را ثابت نگه نداشته و حتی افزایش قیمت های منطقی اعمال نمی کنند. چرا که در چند جبهه بدهی دارند و دستشان هم خالی است؛ بنابراین دلیل افزایش اخیر قیمت خودروها نه بحث کمبود ورق فولاد یا محصولات پتروشیمی بلکه بدهی های کلان ایران خودرو و سایپاست؛ بنابراین جنگ عامل گرانی هیچ کالا و محصولی از جمله خودرو در ایران نیست.

### درباره کنترل ایران بر تنگه هرمز و مزایای اقتصادی و ژئوپلیتیک آن چه تحلیلی دارید؟

تنگه هرمز شیر خفته ایرانی است که پس از سال ها بیادار شده و قرار است تحت مدیریت و نظارت جدیدی قرار بگیرد. برخی استدلال می کنند چون درآمد تنگه هرمز برای ایران زیاد نخواهد بود در مذاکراتمان این امر مهم فشار را بدهم برود. این تحلیل را به دو دلیل غلط می دانم. اولاً تنگه هرمز برای ما کارکرد کسب درآمد دلاری ندارد که بخواهیم روی میزانش بحث کنیم؛ یعنی اگر اینگونه هم دلار و هم سازوکار پتrodلار را تضعیف خواهیم کرد و هم با تقویت پول ملی ایران بخشی از مشکلات اقتصادی کشور حل می شود. از سوی دیگر شورهای چون چین و ژاپن که مشتری نفت و انرژی منطقه هستند دیگر تحریم ها را تسقط کرده که نشان دهنده کاهش بیش از ۵۰ درصدی است. صادرات آمریکا به عراق نیز ۱۱۱ میلیارد دلار در آوریل ۲۰۲۵ به ۱۰۳ میلیارد دلار در آوریل امسال کاهش یافته است. براین اساس آمار تجارت خارجی آمریکا با منطقه خلیج فارس نشان می دهد هزینه های اقتصادی آمریکا از رویارویی با ایران فقط محدود به افزایش قیمت نفت و هزینه های نظامی نبوده، بلکه متحدان منطقه ای آمریکا نیز تحت تأثیر این وضعیت، حجم مبادلات خود با واشنگتن را کاهش داده اند.

## واشنگتن بخشی از بازار خود در خلیج فارس را از دست داد



نصف رسیده که در واقع از ۱۰۵ به ۵۱ میلیون دلار کاهش داشته است. صادرات آمریکا به کویت نیز از ۱۸۹ به ۶۹ میلیون دلار کاهش یافته و واردات آمریکا از این کشور نیز از ۲۲ به ۱۸ میلیون دلار کاهش داشته است. عمان هم شاهد افت صادرات آمریکا از ۱۴۶ به ۸۳ میلیون دلار بوده اما واردات آمریکا از عمان افزایش داشته و از ۸۶ به ۱۰۵ میلیون دلار افزایش داشته است. در عراق، واردات آمریکا از ۵۳۵ به ۲۵۲ میلیون دلار سقوط کرده که نشان دهنده کاهش بیش از ۵۰ درصدی است. صادرات آمریکا به عراق نیز از ۱۱۱ میلیون دلار در آوریل ۲۰۲۵ به ۱۰۳ میلیون دلار در آوریل امسال کاهش یافته است. براین اساس آمار تجارت خارجی آمریکا با منطقه خلیج فارس نشان می دهد هزینه های اقتصادی آمریکا از رویارویی با ایران فقط محدود به افزایش قیمت نفت و هزینه های نظامی نبوده، بلکه متحدان منطقه ای آمریکا نیز تحت تأثیر این وضعیت، حجم مبادلات خود با واشنگتن را کاهش داده اند.

با وجود پایدی مانند در جایگاه بزرگ ترین بازار صادراتی آمریکا در منطقه، شاهد افت مبادلات بوده است. صادرات آمریکا به امارات از ۲۰۴۵ میلیارد دلار به ۲۰۱ میلیارد دلار کاهش یافته و واردات از امارات نیز از ۶۷۶ میلیون دلار به ۳۹۳

رسیده و بیش از ۱.۱ میلیارد دلار کاهش یافته است. واردات آمریکا از این کشورها نیز از ۲.۵ میلیارد دلار در آوریل سال قبل به ۱.۹ میلیارد دلار در مدت مشابه امسال افت کرده است. این روند نشان می دهد که تنش های منطقه ای و نااطمینانی ناشی از درگیری با ایران، نه فقط بر بازار انرژی، بلکه بر جریان تجارت آمریکا با متحدان سنتی خود در خلیج فارس نیز اثر منفی گذاشته است. عربستان سعودی که مهم ترین شریک تجاری آمریکا در میان کشورهای عربی خلیج فارس محسوب می شود، شاهد کاهش شدید مبادلات با واشنگتن بوده است. صادرات آمریکا به عربستان از ۱.۵۹ میلیارد دلار به ۹۳۸ میلیون دلار سقوط کرده که بیانگر افت بیش از ۴۰ درصدی است. اگرچه واردات آمریکا از عربستان از ۷۰۰ میلیون دلار به بیش از یک میلیارد دلار افزایش یافته اما کاهش شدید صادرات آمریکا به این کشور، به معنای از دست رفتن بخشی از بازار کالاها ی آمریکایی است. امارات متحده عربی نیز



زیربنایی و کاهش ظرفیت رشد اقتصادی منجر شود.

#### کاهش پرداخت بدهی هاومصارف مالی

بخش دیگری از مصارف بودجه مربوط به تملک دارایی های مالی است که شامل بازپرداخت اصل بدهی ها، تعهدات مالی و سایر پرداخت های مرتبط می شود. در قانون بودجه سال ۱۴۰۴، رقم یک هزار همت برای این بخش پیش بینی شده بود اما عملکرد واقعی به حدود ۹۲۰ همت رسید که بیانگر تحقق ۹۲ درصدی است. کاهش پرداخت در این بخش نیز در کنار کاهش هزینه های عمرانی، بخشی از ابزار دولت برای ایجاد توازن میان منابع و مصارف محسوب می شود. البته مدیریت این بخش نیازمند دقت بالاست؛ زیرا تعویق بازپرداخت برخی تعهدات مالی می تواند فشار بیشتری را به بودجه سال های آینده منتقل کند.

#### تحقق ۱۰۰درصدی مصارف

بررسی مجموع مصارف عمومی دولت نشان می دهد در سال ۱۴۰۴، رقم مصوب مصارف عمومی حدود ۴ هزار و ۹۸۶ همت بوده و عملکرد نهایی نیز در محدوده ۴ هزار و ۸۰۷ همت ثبت شده است؛ به عبارتی دولت توانسته مجموع پرداخت های خود را تقریباً در چارچوب منابع قابل دسترس مدیریت کند و تحقق نزدیک به ۱۰۰درصدی را به ثبت برساند. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می کند که با عملکرد سال های گذشته مقایسه شود. در سال ۱۴۰۳ میزان تحقق مصارف عمومی بودجه به حدود ۱۰۹درصد رسید که نشان دهنده افزایش هزینه ها فراتر از سقف مصوب بود. اما در سال های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ نیز مشابه داشت و دولت توانسته بود با افزایش بیش از حد هزینه ها جلوگیری کند.

#### کیفیت مدیریت بودجه مهم تر از تحقق اعداد

اگرچه تحقق ۱۰۰ درصدی مصارف بودجه از منظر انضباط مالی یک شاخص مثبت تلقی می شود اما بررسی جزئیات نشان می دهد این دستاورد از طریق کنترل بخش های انعطاف پذیرتر بودجه حاصل شده است. در حالی که هزینه های جاری از سقف تعیین شده عبور کرده، هزینه های عمرانی و بخشی از پرداخت های مالی کاهش یافته تا توازن کلی بودجه حفظ شود. از منظر اقتصاد کلان، پایداری مالی زمانی تقویت می شود که رشد هزینه های جاری مهار شده و سهم بیشتری از منابع به سرمایه گذاری های عمرانی و توسعه ای اختصاص یابد. بنابراین ارزیابی عملکرد بودجه ۱۴۰۴ فقط با نگاه به تحقق ۱۰۰ درصدی مصارف کافی نیست و ترکیب هزینه ها و نحوه مدیریت آن ها معیار مهم تری برای سنجش کیفیت سیاست مالی دولت به شمار می رود.

#### درمقابل رشد هزینه های

#### جاری، عملکرد بخش تملک

#### دارایی های سرمایه ای یا

#### همان بودجه عمرانی نشان

#### می دهد دولت بخشی از

#### فشار مالی را از طریق کاهش

#### پرداخت های عمرانی

#### مدیریت کرده است. در

#### قانون بودجه ۱۴۰۴ برای

#### اجرای طرح های عمرانی و

#### توسعه زیرساخت ها مبلغ

#### ۶۰۰همت در نظر گرفته شده

#### بود اما عملکرد این بخش به

#### ۵۵۲همت رسید که معادل

#### تحقق ۹۲درصدی است



# دولت بودجه عمرانی را فدای هزینه های جاری کرد؟

## گزارش

بررسی عملکرد مصارف بودجه سال ۱۴۰۴ نشان می دهد اگرچه هزینه های جاری دولت از سقف تعیین شده در قانون بودجه فراتر رفته و تحقق ۱۰۶ درصدی را ثبت کرده اما کاهش پرداخت ها در بخش تملک دارایی های سرمایه ای و مالی موجب شده مجموع مصارف عمومی دولت تقریباً در چارچوب منابع قابل تحقق مدیریت شود.

عملکرد سمت مصارف بودجه در کنار بررسی منابع، یکی از مهم ترین شاخص ها برای ارزیابی کیفیت حکمرانی مالی دولت به شمار می رود؛ چراکه تحقق کامل ارقام بودجه الزاماً به معنای بهبود وضعیت مالی نیست و ترکیب هزینه ها و نحوه مدیریت پرداخت ها اهمیت بیشتری دارد. بررسی عملکرد بودجه سال ۱۴۰۴ نشان می دهد دولت در شرایطی موفق به حفظ تعادل کلی مصارف شده که افزایش هزینه های جاری، فشار بیشتری بر منابع عمومی وارد کرده و بخشی از این فشار از مسیر مدیریت هزینه های عمرانی و مالی کنترل شده است؛ موضوعی که بار دیگر چالش میان تأمین هزینه های اجتناب ناپذیر بودجه حفظ سرمایه گذاری های توسعه ای را در ساختار بودجه کشور نمایان می کند.

**هزینه های جاری فراتر از سقف بودجه**
آمارهای عملکرد بودجه سال ۱۴۰۴ نشان می دهد در بخش هزینه های جاری، دولت بیش از ارقام مصوب در قانون بودجه هزینه کرده است. بر اساس قانون بودجه، برای این بخش مبلغ ۳ هزار و ۲۵۵ همت پیش بینی شده بود اما عملکرد نهایی به ۳ هزار و ۵۵۷ همت رسید که نشان دهنده تحقق ۱۰۶ درصدی است.

افزایش هزینه های جاری نسبت به سقف مصوب معمولاً تحت تأثیر عواملی مانند افزایش هزینه های حقوق و دستمزد، رشد هزینه های خدمات عمومی، تعهدات اجتناب ناپذیر دولت و تغییر شرایط اقتصادی رخ می دهد. از آنجا که بخش عمده هزینه های جاری ماهیتی الزامی دارد، دولت در عمل انعطاف کمتری برای کاهش این هزینه ها در طول سال دارد. با این حال، افزایش هزینه های جاری یکی از مهم ترین دغدغه های اقتصاددانان در ساختار بودجه ایران محسوب می شود، زیرا رشد این هزینه ها می تواند فضای مالی دولت را برای انجام سرمایه گذاری های توسعه ای محدود کند و سهم هزینه های عمرانی را تحت فشار قرار دهد.

#### تحقق ۹۲درصدی تملک دارایی سرمایه ای

در مقابل رشد هزینه های جاری، عملکرد بخش تملک دارایی های سرمایه ای یا همان بودجه عمرانی نشان می دهد دولت بخشی از فشار مالی را از طریق کاهش پرداخت های



### ۱۷ میلیارد دلار (ارز صادراتی) در ۱۴۰۴ برگشت

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس از عدم بازگشت ۱۷ میلیارد دلار تعهدات ارزی با سررسید ایفا نشده در سال ۱۴۰۴ خبرداد.

حسین مصماهی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، با استناد به آخرین آمارهای مربوط به تعهدات ارزی صادرکنندگان، از تداوم انباشت حجم قابل توجهی از ارزهای صادراتی بازنگشته به کشور خبر داد و اعلام کرد مجموع ارزهای بازنگشته به چرخه رسمی اقتصاد ایران از سال ۱۳۹۷ تا پایان خرداد ۱۴۰۵ به بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار رسیده است. وی با اشاره به اطلاعات دریافتی از وضعیت رفع تعهدات ارزی صادرکنندگان اظهار داشت: بر اساس آخرین آمارها، مجموع ارزهای سررسید شده ای که تعهدات مربوط به آنها ایفا نشده، حدود ۸۱ میلیارد دلار است و مجموع کل ارزهای بازنگشته به چرخه رسمی کشور از سال ۱۳۹۷ تاکنون بالغ بر ۱۳۰ میلیارد دلار برآورد می شود. مصماهی با مقایسه این رقم با منابع ارزی بلوکه شده ایران در خارج از کشور افزود: در حالی که حجم ارزهای بازنگشته چندین برابر ۲۴ میلیارد دلار منابع بلوکه شده ایران در حساب های خارجی است و سال ها برای آزادسازی آن تلاش شده، درباره بازگشت ارزهای صادراتی که در اختیار صادرکنندگان و شبکه های واسطه ای آنها قرار دارد، حساسیت و پیگیری متناسبی مشاهده نمی شود.

بررسی آمارهای منتشرشده نشان می دهد حجم ارزهای بازنگشته در سال ۱۴۰۴ به حدود ۱۶۰۹ میلیارد دلار رسیده است. همچنین در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۵ نیز حدود ۳ میلیارد دلار ارز صادراتی به چرخه رسمی اقتصاد کشور بازنگشته است. بر اساس این آمار، مجموع صادرات ثبت شده از سال ۱۳۹۷ تا پایان خرداد ۱۴۰۵ بیش از ۳۵۷ میلیارد دلار بوده که از این میزان، حدود ۳۱۷،۶ میلیارد دلار رفع تعهد ارزی شده و نزدیک به ۴۰ میلیارد دلار همچنان در فرآیند ایفای تعهد قرار دارد. با این حال، مجموع ارزهای بازنگشته به چرخه رسمی اقتصاد کشور به رقم قابل توجه ۱۳۰ میلیارد دلار رسیده است. کارشناسان اقتصادی معتقدند بازگشت کامل ارزهای صادراتی یکی از مهم ترین ابزارهای مدیریت بازار ارز، تأمین نیازهای وارداتی کشور و کنترل نوسانات نرخ ارز به شمار می رود. از این رو، تعیین تکلیف تعهدات ارزی معوق و افزایش شفافیت در فرآیند بازگشت ارز حاصل از صادرات می تواند نقش مهمی در بهبود تراز ارزی کشور و کاهش فشار بر بازار ارز داشته باشد. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس تأکید کرد که با توجه به شرایط ارزی کشور، لازم است نظارت بر اجرای تعهدات ارزی صادرکنندگان با جدیت بیشتری دنبال شود تا منابع حاصل از صادرات در خدمت تولید، تجارت و نیازهای ارزی اقتصاد کشور قرار گیرد.



### بازگشت نفتکش ها به هرمز هفته ها زمان می برد

مدیرعامل بزرگترین اپراتور نفتکش های جهان اعلام کرد که با وجود امضای توافق میان آمریکا و ایران، مالکان کشتی ها بازگشت به تنگه هرمز را تا هفته ها به تعویق می اندازند تا عملیاتی شدن توافق تأیید شود. مدیرعامل شرکت کشتیرانی ژاپنی میتسویی او.اس.کی لاینز(Mitsui O.S.K. Lines) که یکی از بزرگترین اپراتورهای نفتکش در جهان محسوب می شود، اعلام کرد که مالکان کشتی ها تا هفته ها ازسرگیری تردد از تنگه هرمز را به تعویق خواهند انداخت. بر اساس گفت وگویی اختصاصی این مقام ارشد با فایننشال تایمز که امروز سه شنبه، ۱۶ ژوئن ۲۰۲۶ منتشر شده است، دلیل اصلی این تأخیر، ضرورت اطمینان از ملموس و عملیاتی بودن توافق میان آمریکا و ایران در سطح واقعیات میدانی عنوان شده است. جوتارو تامورا مدیرعامل میتسویی او.اس.کی، تأکید کرده است که برای بازگشت اعتماد کشتیرانان به این آبراه راهبردی، صرفاً به یک توافق کاغذی بسنده نخواهد شد و باید تغییرات عینی در وضعیت تنگه هرمز ایجاد شود. وی در این مصاحبه تأکید کرد: «با توجه به تجارب چند ماه اخیر، منطقی است که فرض کنیم حداقل به چند هفته یا شاید یک ماه زمان نیاز باشد تا کشتیرانان برای تردد از این مسیر احساس راحتی کنند».

با وجود اعلام توافق برای پایان جنگ مدیرعامل میتسویی او.اس.کی تصریح کرده است که این توافق نهایی شده، تغییری در رویکرد محتاطانه شرکت های کشتیرانی ایجاد نکرده است. به گفته منابع آگاه، موافقی نظیر ارزیابی ای امنیتی، پوشش بیمه ای، اعتماد دهمه و بازرسی زیرساخت ها، همگی عواملی هستند که نیازمند گذر زمان و راستی آزمایی هستند. همچنین در این گزارش به موضوع خدمه ای اشاره شده که بیش از ۱۰۰ روز است در خلیج فارس سرگردان مانده اند و دبیرکل سازمان بین المللی دریانوردی (IMO) نیز از تلاش برای ایجاد یک کریدور امن برای تخلیه آنان خبر داده است.

این در حالی است که دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا به دنبال اعلام توافق گفته بود که کشتی های حامل نفت «شروع به حرکت» از تنگه هرمز کرده اند و از مسیر جنوبی «کاملاً امن» عبور می کنند. تنگه هرمز بیش از آغاز درگیری ها، روزانه حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت خام و فرآورده های نفتی را از خود عبور می داد که معادل ۲۰ درصد از مصرف جهانی نفت و بخش قابل توجهی از محموله های گاز طبیعی مایع (LNG) قطر، کویت و امارات را شامل می شد.

## ناترازی بانک ها؛ موتور پنهان تورم و مانع تأمین مالی تولید

بنابر گفته کارشناسان، ناترازی بانک ها تنها یک مسئله درون بانکی نیست، بلکه مستقیماً بر تورم و تولید اثر می گذارد.

ناترازی بانک ها در سال های اخیر به یکی از مهم ترین چالش های اقتصاد ایران تبدیل شده است؛ چالشی که آثار آن فقط در صورت های مالی بانک ها باقی نمی ماند، بلکه از مسیر رشد نقدینگی، افزایش پایه پولی، کاهش قدرت تسهیلات دهی و تشدید رکود تولید، به زندگی روزمره مردم منتقل می شود. وقتی بانک ها بیش از توان واقعی خود تعهد ایجاد می کنند، دارایی های منجمد و کم بازده دارند یا قادر به پاسخگویی به سپرده ها و بدهی های خود نیستند، ناچار می شوند برای جبران کسری منابع به بانک مرکزی متوسل شوند؛ اتفاقی که درنهایت می تواند به خلق پول، افزایش نقدینگی و فشار تورمی منجر شود.

ناترازی بانکی در ساده ترین تعریف، به معنای برهم خوردن تعادل میان دارایی ها و بدهی های بانک است. در چنین وضعیتی، بخشی از دارایی های بانک قابلیت نقدشوندگی کافی ندارد یا ارزش واقعی آن کمتر از رقمی است که در ترازنامه ثبت شده است. از سوی دیگر، بانک باید به سپرده گذاران و سایر ذی نفعان خود پاسخگو باشد. این شکاف، بانک را در موقعیتی قرار می دهد که برای ادامه فعالیت روزمره، یا نرخ های سود بالاتر پیشنهاد کند، یا از بازار بین بانکی و در نهایت از بانک مرکزی استقراض کند.

عباسپور کارشناس اقتصادی، درباره آثار این پدیده در گفت وگو با خبرنگار اقتصادی باشگاه خبرنگاران معتقد است ناترازی بانک ها تنها یک مسئله درون بانکی نیست، بلکه مستقیماً بر تورم و تولید اثر می گذارد. ناترازی بانک ها علاوه بر تأثیرگذاری بر تورم، به رکود تولید نیز دامن می زند؛ چراکه وقتی بانک ها ناتراز باشند، شبکه بانکی یوبایی لازم را در بخش فعالیت های تولیدی و اقتصادی از دست می دهد و این موضوع به تعمیق رکود منجر می شود.

این گزاره از آن جهت اهمیت دارد که بانک ها در اقتصاد ایران نقش اصلی را در تأمین مالی



دستور کار قرار داده است.

به تازگی هم عبدالناصر همتی رئیس کل بانک

## افزایش پایه پولی

افزایش پایه پولی نیاز از مسیر ضرب فراینده

پولی به رشد نقدینگی منجر می شود. در

اقتصادی که انتظارات تورمی بالا و سرعت

گردش پول قابل توجه است، رشد نقدینگی

می تواند به سرعت خود را در افزایش قیمت

کالاها و خدمات نشان دهد.

به بیان دیگر، ناترازی بانک ها می تواند یک

چرخه معیوب ایجاد کند؛ بانک ناتراز برای

ادامه فعالیت، منابع جدید طلب می کند،

استفاده از منابع بانک مرکزی پایه پولی را بالا

می برد، رشد نقدینگی تورم را تشدید می کند و

تورم نیز دوباره ارزش واقعی دارایی ها و قدرت

خرید سپرده گذاران را تحت تأثیر قرار می دهد.

در این چرخه، هم مردم از افزایش قیمت ها

آسیب می بینند و هم تولیدکنندگان از کاهش

فرزانی با اشاره به سازوکار اثرگذاری این پدیده

بر تورم می گوید زمانی که بانک ها کمبود وجه

نقد مواجه می شوند، برای تأمین نیازهای خود

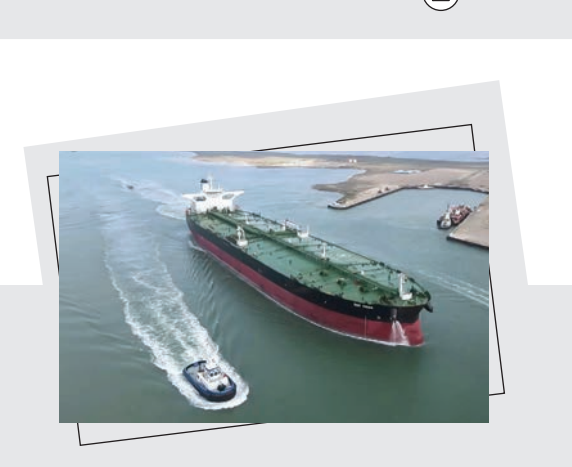
از منابع بانک مرکزی استفاده می کنند. این

مرکزی، در خصوص برنامه های بانک مرکزی برای کنترل رشد نقدینگی و تورم گفته است؛ افزایش نرخ سپرده قانونی بانک ها و ضوابط کنترل رشد مقداری ترازنامه بانک ها، کنترل اضافه برداشت بانک ها و برخورد با بانک های ناتراز و هدایت اعتباری در دستور کار است تا هم زمان با کنترل رشد نقدینگی و تورم، تأمین مالی بخش های اقتصادی نیز انجام شود.

یکی از نمونه های مهم در موضوع برخورد با بانک های ناتراز، پرونده بانک آینده است. این بانک طی سال های گذشته به دلیل مشکلات گسترده در ترازنامه، دارایی های منجمد، نسنگاداری و... همواره در کانون توجه نهادهای نظارتی قرار داشت. سرانجام در روند ساماندهی بانک های ناتراز، موضوع انحلال بانک آینده به عنوان یکی از جدی ترین اقدامات نظارتی مطرح شد؛ اقدامی که پیام روشنی برای شبکه بانکی داشت؛ تداوم ناترازی دیگر نمی تواند بدون هزینه و مداخله نهاد ناظر ادامه پیدا کند.

اهمیت این تجربه در آن است که برخورد با بانک های ناتراز صرفاً جنبه تنبیهی ندارد، بلکه می تواند به بازسازی اعتماد عمومی و جلوگیری از سرایت بحران به کل شبکه بانکی کمک کند. اگر بانکی برای مدت طولانی با ناترازی ادامه فعالیت دهد، نه تنها خود را در معرض بحران قرار می دهد، بلکه با جذب منابع از طریق نرخ های سود غیرمتعارف، فشار بر سایر بانک ها را نیز افزایش می دهد و رقابت ناسالمی را در شبکه بانکی شکل می دهد؛ بنابراین انحلال، ادغام یا اصلاح ساختار بانک های ناسالم، بخشی از ضرورت حفظ ثبات مالی است.

با این حال، برخورد موردی با بانک های ناتراز به تنهایی کافی نیست. ریشه های ناترازی باید در چند محور دنبال شود؛ ضعف نظارت، تسهیلات دهی غیرکارشناسی، تمرکز منابع در دارایی های غیرمولد، بنگاهداری بانک ها، مطالبات غیرجاری، نرخ گذاری دستوری، و شکاف میان نرخ سود بانکی و واقعیت های تورمی اقتصاد. تا زمانی که این عوامل اصلاح نشوند، امکان بازتولید ناترازی در بانک های دیگر نیز وجود خواهد داشت.



### بازگشت تولید نفت خلیج فارس زمان بسیار طولانی می برد

رویترز به نقل از وود مکنزی گزارش داد، با وجود توافق ایران و آمریکا برای گشایش تنگه هرمز، بازگشت کامل نفت خلیج فارس به سطح تولید پیش از جنگ یک فرآیند تدریجی است و یک میلیون بشکه تولید روزانه منطقه ممکن است ماه‌ها و حتی بیش از یک سال به طول انجامد.

توافق میان ایران و آمریکا برای پایان دادن به جنگ و گشایش کامل تنگه هرمز، موجی از امیدواری را در بازارهای جهانی انرژی ایجاد کرده است. فعالان اقتصادی و تحلیل‌گران حوزه نفت و گاز این توافق را گامی بلند در جهت کاهش تنش‌های ژئوپلیتیکی و بازگشت ثبات به زنجیره تأمین انرژی می‌دانند، هرچند تأکید دارند که روند بهبودی کامل، فرآیندی تدریجی و زمان‌بر خواهد بود. بر اساس گزارش رویترز، جنگ اخیر جریان بیش از ۱۴ میلیون بشکه نفت خام در روز را متوقف کرده بود که این رقم، معادل حدود ۱۴ درصد از مصرف جهانی نفت به‌شمار می‌رود.

حال آنکه با اجرایی شدن توافق و بازگشایی کامل تنگه هرمز، گام نخست برای احیای مجدد این جریان عظیم انرژی برداشته شده است؛ اما کارشناسان معتقدند که بازگشت به شرایط پیش از جنگ، ماه‌ها و حتی سال‌ها زمان نیاز دارد. تحلیل‌گران شرکت معتبر «وود مکنزی» در این خصوص اعلام کرده‌اند که میادین نفتی متأثر از بسته شدن تنگه هرمز، توانایی بازگشت به ۷۰ درصد از ظرفیت تولید پیشین خود را در بازه زمانی سه‌ماهه و ۹۰ درصد در طی شش ماه دارند. با این حال، آن دسته از تأسیساتی که آسیب جدی‌تری دیده‌اند، به مرور زمان بیشتری برای بازگشت به مدار تولید نیازمندند و در برخی موارد این فرآیند ممکن است سال‌ها به طول انجامد. یکی از چالش‌های اساسی در مسیر احیای بازار انرژی، کاهش چشمگیر مخازن استراتژیک نفت خام در جهان است.

بر اساس این گزارش، جنگ سبب کاهش بیش از یک میلیارد بشکه‌ای ذخایر جهانی نفت شده است. پل گودن، رئیس بخش منابع طبیعی در شرکت مدیریت سرمایه‌گذاری «نابی ون»، هشدار داده که با وجود گشایش تنگه هرمز، کشورهای مصرف‌کننده برای بازسازی مخازن خود و جبران این کسری عظیم، به چندین سال زمان نیاز خواهند داشت. وی تأکید کرده که بازارهای نفتی تا سال‌ها پیامد‌های این بحران را به‌دوش خواهند کشید، چراکه دولت‌ها در تلاش هستند تا با ذخیره‌سازی مجدد، خود را در برابر شوک‌های ژئوپلیتیکی آینده مصون سازند.

در حوزه فرآورده‌های نفتی نیز اوضاع به همین منوال است. برآورد‌ها نشان می‌دهد که تا ابتدای ماه مه گذشته، جنگ، تولید حدود ۳.۵۲ میلیون بشکه در روز را فرآورده‌های تصفیه شده را متوقف کرده بود که این میزان معادل ۳.۵ درصد از کل تولید جهانی این محصولات است. در این میان، بازگشت به کار برخی از پالایشگاه‌هایی که صرفاً به دلیل پیشگیری از خطر تعطیل شده‌اند، تنها چند هفته زمان می‌برد؛ اما در مقابل، تعمیر و بازسازی تأسیساتی که در جریان درگیری‌ها دچار آسیب جدی شده‌اند، به هزینه‌های سنگین و زمان‌بر نیاز دارد. گزارش رویترز همچنین به هزینه‌های سرسام‌آور بازسازی تأسیسات انرژی در منطقه خلیج فارس اشاره کرده و آورده است که به طور میانگین، تعمیر و بازسازی‌های آسیب‌دیده در این منطقه حدود ۴۶ میلیارد دلار برآورد می‌شود. در این میان، وضعیت برخی از پروژه‌های بزرگ انرژی حتی پیچیده‌تر است؛ به‌عنوان نمونه، تأسیسات تولید گاز طبیعی مایع در قطر که یکی از بزرگترین مجتمع‌های تولید این محصول در جهان به‌شمار می‌رود، برای بازگشت به ظرفیت پیش از جنگ خود به حداقل ۵ سال زمان نیاز دارد. با وجود همه این چالش‌ها رسانه‌های بین‌المللی بر این باورند که توافق اخیر ایران و آمریکا و گشایش تنگه هرمز، نقطه عطفی در تاریخ بازارهای انرژی محسوب می‌شود و هرچند مسیر بهبودی هموار نیست، اما اراده سیاسی دو کشور برای پایان دادن به بحران، نویدبخش ثبات پایدار در منطقه و رونق مجدد اقتصاد جهانی است.

### جنگ علیه ایران تنها یک شوک انرژی است یا یک نقطه عطف؟

هنوز مشخص نیست توافق صلح ایران و آمریکا یک لحظه تعیین‌کننده در بازار انرژی دنیا باشد یا صرفاً یک نوسان گذرا. به گزارش رویترز، اختلال جنگ ایران در بازار جنگ جهانی نفت و گاز طبیعی مایع (LNG) با معیار بشکه‌های از دست‌رفته و قیمت‌های بالاتر اندازگیبری می‌شود. اکنون با انتظار برای توافق صلح آمریکا و ایران جهت بازگشایی تنگه هرمز، این پرسش مطرح است: آیا این یک لحظه تعیین‌کننده است یا صرفاً یک نوسان گذرا؟ دو نمونه پیشین را در نظر بگیرید: رسوایی «دیزل‌گیت» فولکس‌واگن در ۲۰۱۵ نشانۀ افول خودروهای دیزلی و ظهور خودروهای الکتریکی بود. در مقابل، حمله روسیه به اوکراین در ۲۰۲۲ باعث جهش قیمت انرژی شد، اما توانایی بازار در جذب شوک، تأثیر آن را کوتاه‌مدت کرد. بازار تاکنون در مواجهه با بسته شدن تنگه هرمز از زمان آغاز حملات آمریکا و اسرائیل به ایران در ۲۸ فوریه عملکرد قابل‌توجهی داشته است. حداقل ۱ میلیارد بشکه نفت خام و فرآورده‌ها از تولیدکنندگان خاورمیانه از دست‌رفته و تا ۲۰ درصد از عرضه جهانی LNG در این آبراهه گیر افتاده است. ترکیبی از آزادسازی ذخایر استراتژیک و تجاری و کاهش چشمگیر واردات چین به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان، کمک کرده که قیمت برنت برای بخش عمده‌ای از بحران زیر ۱۰۰ دلار باقی بماند. خوش‌بینی درباره توافق بازگشایی تنگه هرمز نقش داشته است. روند توافق مورد انتظار در روز گذشته آغاز شد، زمانی که آمریکا و ایران اعلام کردند بر سر چارچوبی برای ازسرگیری ترانزیت کشتی‌ها توافق کرده‌اند. بازگشت نفتکش‌ها به هرزمن این سؤال را ایجاد می‌کند: بعداً چه اتفاقی خواهد افتاد؟ اولین اثر، تسکین کوتاه‌مدت بازارهای انرژی با خروج نفتکش‌های گیر افتاده از خلیج فارس خواهد بود. سپس تلاش برای بازگرداندن جریان‌ها به سطوح پیش از جنگ و بازسازی ذخایر تخلیه‌شده آغاز می‌شود. این فرآیند ممکن است قیمت‌ها را برای مدت طولانی تری بالا نگه دارد؛ اما به سرعت افزایش تولید توسط خاورمیانه و توانایی اوپک پلاس برای تحقق تعهدات تولیدی بستگی دارد. سؤال بزرگ‌تر تأثیر بلندمدت است که به دیدگاه مصرف‌کنندگان دولت‌ها به‌ویژه در آسیای تشره انرژی بستگی دارد. سیاست‌های دولتی نیز احتمالاً به نفع انرژی‌های تجدیدپذیر تغییر جهت خواهند داد. همان‌طور که در اروپا سهم دیزل از فروش خود را ۵۲ درصد در ۲۰۱۵ و به کمتر از ۱۰ درصد در ۲۰۲۵ رسید.

■ پنجشنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۵ ■ ۳ محرم ۱۴۴۸ ■ ۱۸ June ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۴۸۷

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور ■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



# «اجاره خانه» بیش از ۵۰ درصد دستمزد کارگران را می‌بلعد

تورمی در بازار مسکن است؛ بازاری که نه نشانه‌ای از رونق تقاضا در آن دیده می‌شود و نه تمایلی به کاهش قیمت‌ها دارد. با فروکش کردن برخی تنش‌های منطقه‌ای و بازگشت آرامش نسبی به فضای اقتصاد کلان، اگرچه رکود مطلق بازار مسکن احتمالاً تا حدودی تعدیل می‌شود اما واقعیت این است که بازگشت تاون خرید و اعتماد سرمایه‌ای به این بازار بسیار دشوار است. باید توجه داشت، قیمت‌ها امروز بیش از آنکه برآمده از تقاضای واقعی باشند، تابع انتظارات تورمی، نرخ ارز و هزینه‌های فرآینده تولید هستند. در این میان، زنجیره تأمین ساخت‌وساز که به قیمت‌آهن‌آلات، فولاد، دستمزد‌های کارگری و مصالح ساختمانی گره خورده، نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت بازار ایفا می‌کند. حتی در صورت تداوم رکود در سمت تقاضا، همین هزینه‌های رو به رشد ساخت، کف قیمتی بازار را در ماه‌های آینده بالاتر خواهد برد.

#### پیش‌بینی رشد ۳۰ درصدی قیمت مسکن تا پایان سال

از سوی دیگر، کاهش عرضه واحدهای نوساز و افت محسوس صدور پروانه‌های ساختمانی در کنار انباشت مشکلات مالی در پروژه‌های نیمه‌تمام، تسدوم روند صعودی قیمت‌ها را به محتمل‌ترین سناریوی ممکن تبدیل کرده است؛ به‌طوری‌که کارشناسان اقتصادی پیش‌بینی می‌کنند بازار مسکن تا پایان سال جاری رشد اسمی ۱۵ تا ۳۰ درصدی را تجربه کند. چنین رشدی در شرایطی که قدرت خرید جامعه افزایش نیافته، نتیجه‌ای جز تعمیق رکود در بی نخواهد داشت. بازار مسکن در پایتخت به‌شدت به نوسانات ارزی و تحولات اقتصاد کلان حساس شده و هم‌زمان به تغییرات شاخص بورس و جابه‌جایی احتمالی سرمایه‌ها توجه دارد. اما برای طبقه کارگر و مزدبگیران، این تحلیل‌های کلان اقتصادی و رشدهای قیمتی، تنها یک معنا ملموس دارد: دست‌نیافتنی‌تر شدن حق قانونی برخورداری از یک سرپناه مناسب.

## وقتی کارخانه‌ها از کشور دفاع کردند



زندگی روزمره مردم شود، واقعیت میدانی مسیر دیگری را نشان داد. فروشگاه‌ها خالی نشدند، زنجیره تأمین کالا‌های اساسی از هم‌نیاشد، تولید در بسیاری از بخش‌های کلیدی ادامه پیدا کرد و کشور با وجود فشارهای سنگین وارد وضعیت بحرانی‌مورد انتظار دشمنان نشد. این اتفاق بیش از هر چیز یک پیام روشن داشت؛ قدرت یک کشور فقط به تعداد موشک‌ها، تجهیزات نظامی یا سامانه‌های دفاعی آن وابسته نیست، پشت هر قدرت دفاعی، یک قدرت اقتصادی قرار دارد که باید بتواند در شرایط سخت نیز به فعالیت خود ادامه دهد. در سال‌های گذشته بارها گفته شد که وابستگی اقتصادی می‌تواند به یک تهدید امنیتی تبدیل شود. شاید در برخی مقاطع این هشدار برای بخشی از افکار عمومی ملموس نبود، اما جنگ اخیر نشان داد که این مسئله تا چه اندازه واقعی است. کشوری که برای تأمین نیازهای حیاتی خود به خارج وابسته باشد، در شرایط بحران نه فقط با فشار اقتصادی بلکه با تهدید امنیتی مواجه خواهد شد. در مقابل، هر میزان که ظرفیت‌های داخلی تقویت شده باشد، امکان مقاومت در برابر شوک‌ها نیز افزایش می‌یابد. شاید بتوان مهم‌ترین دستاورد سال‌های تحریم را دقیقاً در همین نقطه جستجو کرد. تحریم‌ها هزینه‌های فراوانی به اقتصاد ایران تحمیل کردند، اما هم‌زمان یک واقعیت را نیز به سیاست‌گذاران و تولیدکنندگان یادآور شدند؛ اینکه امنیت اقتصادی را نمی‌توان وارد کرد. امنیت اقتصادی باید ساخته شود؛ آن هم در کارخانه‌ها.

تأمین سایر نیازهای ضروری زندگی بازبماند و فشار معیشتی بی‌سابقه‌ای را تحمل کند. از این رو ضروری است وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در هماهنگی کامل با وزارت راه و شهرسازی، از اجرای سیاست تمدید خودکار یک‌ساله قراردادهای اجاره و کنترل افزایش اجاره‌بها و همچنین ارتقای تسهیلات وام‌دویدعه ویژه مستأجرین حمایت کرده و آن را به عنوان یک مطالبه ملی دنبال کنند.»

#### ضرورت ورود دستگاه‌های نظارتی و کنترل سقف اجاره‌بها

سهرابی در ادامه، بر ضرورت فعال شدن بازوهای نظارتی تأکید کرده و یادآور می‌شود: «انتظار می‌رود شورا‌های تأمین اسنان‌ها، فرمانداری‌ها و دستگاه‌های نظارتی با همکاری اتحادیه‌های مشاوران املاک در سراسر کشور، بر اجرای سقف‌های قانونی افزایش اجاره‌بها نظارت مؤثر داشته باشند تا حقوق مستأجران قربانی سودجویی‌های خارج از ضابطه نشود. متأسفانه در شرایط تورمی موجود، برخی مالکان تلاش می‌کنند کاهش قدرت خرید یا افزایش هزینه‌های زندگی خود را از طریق تحمیل بار مالی بیشتر به مستأجران جبران کنند. این رویکرد نه تنها کمکی به حل مشکلات اقتصادی کشور نمی‌کند، بلکه فشار مضاعفی بر اقشار مزدبگیر و کم‌درآمد وارد می‌سازد.»

او پیامدهای این فشارهای قیمتی را فراتر از لایه‌های اقتصادی دانسته و نسبت به تبعات اجتماعی آن هشدار می‌دهد: «پیامدهای این وضعیت تنها محدود به حوزه اقتصاد خانوار نیست. افزایش بی‌رویه اجاره‌بها، کارگران و خانواده‌های آنان را ناگزیر به ترک محل سکونت و مهاجرت به حاشیه کلان‌شهرها یا شهرهای اقماری می‌کند؛ مناطقی که غالباً از زیرساخت‌های مناسب حمل‌ونقل، آموزش، درمان و خدمات عمومی برخوردار نیستند. نتیجه قطعی چنین روندی، گسترش حاشیه‌نشینی، افزایش آسیب‌های اجتماعی، طولانی‌تر شدن مسیریاری‌رفت‌و‌آمد، کاهش بهره‌وری نیروی کار و تشدید شکاف‌های اجتماعی خواهد بود.»

#### امنیت شغلی بدون امنیت مسکن معنا ندارد

این فعال کارگری با بیان اینکه امنیت شغلی بدون امنیت مسکن معنایی ندارد، تصریح می‌کند: «جامعه کارگری امروز بیش از هر زمان دیگری چشم انتظار حمایت عملی قوه مجریه و قوه قضائیه در اجرای قوانین و مصوبات حمایتی است. کارگران نه خواهان امتیازات ویژه‌اند و نه توقعی فراتر از قانون دارند؛ مطالبه آنان صرفاً برخورداری از حداقل‌های یک زندگی شرافتمندانه است. امنیت شغلی بدون امنیت مسکن معنا ندارد»

و هیچ برنامه توسعه‌ای بدون توجه به معیشت و آرامش خانوارهای کارگری به نتیجه مطلوب نمی‌رسد.»

سهرابی در پایان سخنان خود، با فراخواندن مسئولان به خروج از انفعال، خاطرنشان می‌سازد: «اکنون زمان آن رسیده است که حمایت از مستأجران از سطح اعلامی و رسانه‌ای فراتر رفته و به سیاست اجرایی، مستمر و قابل نظارت تبدیل لمسود؛ زیرا حفظ کرامت کارگران، حفظ ثبات اجتماعی و اقتصادی کشور را به همراه خواهد داشت. مسئولان اگر در حال حاضر نمی‌توانند برای این قشر تأمین مسکن کنند، حداقل باید نظارت بر روابط موجرو مستأجر را به‌عنوان یک‌راهکار فوری‌اعمال نمایند. باید در نظر داشته باشند که با این قیمت‌های نجومی، کارگران ایرانیان نمی‌توانند بخزند.»

#### ای بی‌سی نیوز: پایان جنگ

#### پایان گرانی در آمریکا نیست

شبکه ای بی سی نیوز در گزارشی هشدار داد که با پایان جنگ علیه ایران، گرانی در آمریکا به این زودی فروکش نمی‌کند. پس از دست‌یابی به یک توافق اولیه برای پایان دادن به جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، این پرسش مطرح شده است که قیمت بنزین، مواد غذایی، بلیت هواپیما و سایر کالا‌هایی که در جریان این درگیری گران شدند، چه زمانی کاهش خواهند یافت. کارشناسان می‌گویند نباید انتظار کاهش سریع قیمت‌ها را داشت. به گفته اقتصاددانان و تحلیلگران صنایع مختلف، حتی پس از آنکه جریان انتقال نفت از خاورمیانه از سر گرفته شود، ممکن است مدتی طول بکشد تا مصرف‌کنندگان در پمپ‌بنزین‌ها، فروشگاه‌های مواد غذایی و دیگر مراکز خرید، آثار این تغییر را مشاهده کنند. بسته شدن تنگه هرمز نه تنها عرضه نفت خام و سوخت‌های پالایش‌شده را مختل کرد، بلکه زنجیره‌های تأمین کود شیمیایی، مواد غذایی و حتی انواع کفش و پوشش را نیز تحت تأثیر قرار داد. کسب‌وکارها پیش‌بینی می‌کنند که هزینه‌های بالاتر برای مدتی ادامه خواهد یافت و این موضوع نشان می‌دهد مشتریان نیز باید خود را برای تحمل این فشار آماده کنند. برت هانس، اقتصاددانی که در دانشکده کسب‌وکار دانشگاه کلمبیا تدریس می‌کند، در این باره گفت: هیچ اطمینانی وجود ندارد که با وجود ۳ ماه جنگ، دستاوردی حاصل شده باشد که وضعیت مصرف‌کننده آمریکایی را بهتر کرده باشد. وی افزود: در واقع، تقریباً با هر معیاری که بسنجیم، نه تنها مصرف‌کنندگان آمریکا بلکه کل جهان در نتیجه این حمله در وضعیت بدتری قرار گرفته‌اند. پس از انتشار خبر توافق اولیه، قیمت نفت روز دوشنبه به حدود ۸۰ دلار برای هر بشکه نفت خام شاخص آمریکا کاهش یافت. این رقم پیش از آغاز جنگ حدود ۶۷ دلار بود و در جریان درگیری‌ها حتی از ۱۲۰ دلار برای هر بشکه نیز فراتر رفت. پالایشگاه‌ها معمولاً نفت خام مورد نیاز خود را یک ماه یا بیشتر پیش‌اپیش خریداری می‌کنند؛ بنابراین اگر قیمت نفت کاهش یابد، بلافاصله محصولات ارزان‌تر تولید نخواهند کرد. مایکل لینچ، پژوهشگر ارشد بنیاد غیرحزبی پژوهش سیاست انرژی، در این باره گفت: دلیل اینکه قیمت بنزین معمولاً با سرعت کمی کاهش پیدا می‌کند، تا حدی این است که مواد اولیه باید طی چند هفته از کل زنجیره عبور کند تا در نهایت به دست مصرف‌کننده برسد. مارک بارنو، استاد رشته مهندسی شیمی در دانشگاه تگزاس ای‌اند‌ام، گفت در مناطقی که ظرفیت پالایش کافی برای پاسخگویی به تقاضا وجود ندارد، مانند ساحل غربی آمریکا، کاهش قیمت بنزین زمان بیشتری خواهد برد.